



پیام تشکر رهبری از کاروان ورزشی ایران

در پی نامه رئیس کمیته ملی المپیک خطاب به رهبر انقلاب اسلامی و ارائه گزارشی از دستاوردهای ورزشی و فرهنگی اعضای کاروان ورزشی جمهوری اسلامی در بازی‌های المپیک ۲۰۲۴ پاریس و شادکردن دل مردم ورزش دوست ایران، رهبری سپاسگزاری صمیمانه خود را از ورزشکاران خوش‌روحيه و بارآهده کشورمان اعلام کردند. رهبر انقلاب اسلامی در حاشیه نامه رئیس کمیته ملی المپیک نوشتند: «از ورزشکاران عزیز و خوش‌روحيه و بارآهده، و از رؤسای فدراسیون‌ها و مربیان، و از کمیته ملی المپیک که در مسابقات اخیر مایه شادی و سربلندی کشور را در صحنه ورزش فراهم آوردند، صمیمانه سپاسگزارم. موفق باشید ان‌شاءالله.»



همه ضرر می‌کنند

اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس جمهور دولت‌های یازدهم و دوازدهم تأکید کرد: «رابطه میان رئیس جمهور و حامیان و پایگاه رای‌اش نیز دوطرفه و تعاملی است. مقدرات و معذورات را می‌توان و باید با گفت‌وگو و از طریق ارتباط با بدنه اجتماعی در حد امکان بیان کرد. به حفظ نیروهای توانا و مؤثر برای کشور کوشید. به‌رغم همه اینها و با وجود نقدهای بیجا و نابجا نباید پزشک‌ان را تنها گذاشت.» او افزود: «دوستان عزیز شرایط گذشته را به یاد آوریم و نگران آینده هم باشیم. به تجربه آموخته‌ام که اگر حامیان رئیس جمهور او را تنها بگذارند همه ضرر می‌کنند. راه دشواری در پیش است. ولی به معجزه گفت‌وگو باور و امید داشته باشیم.»

تاریخ شروع جلسات رای اعتماد

علیرضا سلیمی، سخنگوی هیئت‌رئیس مجلس از آغاز بررسی صلاحیت و برنامه‌های وزرای پیشنهادی از روز شنبه هفته آینده خبر داد. او در ادامه افزود: «کمیسیون‌های مجلس تا پایان هفته کنونی بررسی سوابق و برنامه‌های پیشنهادی پیشنهادی وزیرخانه‌ها را مورد بررسی قرار داده و گزارش خود را به هیئت‌رئیس ارائه خواهند کرد. همچنین مجلس شورای اسلامی از روز شنبه هفته آینده حداقل در دو شیفت کاری برای رسیدگی به برنامه و کارنامه وزرا جلسه علنی خواهد داشت.»

ادامه سر مقاله

بنابراین، مسئولیت این حکم متوجه آقای پزشک‌ان است و نه هیچ‌کس دیگر، و اگر ایشان نمی‌توانند حل کنند خودشان حکم را لغو خواهد کرد و هیچ مسئولیتی متوجه آقای ظریف نیست. لازم است به‌ویژه سیاست داخلی، تأکید بر کثرت جمعی است. اصولاً موضوع سیاست ناظر به تأمین خیر جمعی است و به‌طور قطع، اغلب فعالان سیاسی با این هدف وارد میدان سیاست می‌شوند. ولی سیاست محل تنازع و تقابل منافع و رویکردها هم هست. در نتیجه، سیاست به معنای عمیق آن محصول مشارکت و تفاهم جمعی است. همچنان که این واقعیت در گزارش‌های قبلی آقای ظریف نمود فراوانی داشت و حتی پس از ارسال فهرست نهایی شورای راهبری و کارگروه‌های کارشناسی برای آقای پزشک‌ان، این تحلیل وجود داشت که به‌طور جمعی از محصول پایانی رضایت خوبی وجود دارد. پس انتظار می‌رفت که هرگونه تصمیمی در این زمینه نیز جمعی باشد یا حداقل حمایت هم‌راهان را نیز جلب کند. البته این مسئله مانع از ترجیحات و حقوق شخصی افراد نیست؛ ولی از آنجا که هزینه و فایده امر سیاسی فراتر از فرد رفته و جمع را شامل می‌شود پس ترجیحا باید این ملاحظاتی را در نظر گرفت. با وجود همه اینها، اطمینان داریم که با درایت طرفین این ماجرا به سود مردم و جامعه و فضای سیاسی کشور، پایان بهتری خواهد داشت.



هفته گذشته روزنامه هم‌میهن مطلبی با عنوان «دولت وحدت ملی دموکراتیک» به قلم محمدجواد روح، سردبیر روزنامه منتشر کرد که در بخشی از آن به بررسی انواع دولت وفاق ملی و دولت وحدت ملی و تعریف آکادمیک آن پرداخت و در ادامه نیز تلاش‌های فعالان سیاسی و سیاستمداران برای ایجاد وحدت ملی در فضای سیاسی کشور در دهه‌های مختلف پس از پیروزی انقلاب بازخوانی شد و در نهایت هم به نشانه‌های ضرورت پیش‌آمده در حاکمیت برای ایجاد چنین وفاقی اشاره کرده است. در پی انتشار این مطلب مهدی معتمدی مهر، عضو نهضت آزادی ایران و عباس موسایی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب به آن واکنش نشان داده‌اند و نظرات خود را درباره آن مطلب و آنچه به عنوان دولت وفاق ملی یا وحدت ملی مطرح است، به میان آورده است که در ادامه می‌آید.

عکس: خبرنگاری مهر

دولت وحدت ملی یا دولتی برای وحدت ملی

ضرورت تشکیل دولت وحدت ملی در ایران و ابعاد آن

دولت وحدت ملی را نمی‌توان به مطالبه‌ای شعاری فروکاست. این مفهوم، بنا بر فهم ضرورت همکاری تمام نیروهای متکثر سیاسی و اجتماعی با حکومت و پذیرش مسئولانه هم‌افزایی حاکمیت با جامعه مدنی در شرایط حاد اضطراری، موضوعیت و کارکرد پیدا می‌کند. این نوشتار یاد به دو سوال اساسی پاسخ دهد: آیا در ایران شرایط اضطراری ناظر بر تشکیل دولت وحدت ملی وجود دارد یا خیر؟ و دوم آنکه ابعاد دولت ملی در ایران ۱۴۰۳ چه گستره‌ای دارد؟

در یک پاسخ کوتاه می‌توان چنین گفت: اگرچه ایران در معرض کوتاه‌مدت شرایط حادی مانند جنگ و فروپاشی قرار ندارد؛ بدان گونه که مؤید جنگ داخلی و منازعات قومی خشونت‌آمیز باشد و کاربرد دولت وحدت ملی در الگوی کلاسیک آن را که در کشورهای مانند لبنان ضرورت یافته است، محتوم کند. اما طولانی شدن دوران گذار به دموکراسی، رشد فزاینده واگرایی‌های قومی، عدم تأمین حداقل حقوق اساسی، عدم تحقق کرامت انسانی زنان، رشد تضادهای درون‌ساختاری، ظرفیت اثرگذار جریان نفوذی، شدت یافتن ناراضی‌های عمومی، کاهش جدی سرمایه اجتماعی و ناکامی جنبش اصلاحات در ایران در کنار ابربحران کارآمدی و سلب برنامه راهبردی و لجستیک مالی و تبلیغاتی دولت‌های اسرائیل و عربستان سعودی و نوحفاظت‌کاران آمریکا که نه‌نقط جمهوری اسلامی بلکه اساس موجودیت ایران را هدف قرار داده و از ظرفیت رسانه‌ای بالایی برخوردارند، جامعه‌ای اتمیزه را رقم زده و شرایطی را فراهم آورده است که دیگر هیچ نیرویی در ایران، واجد اکثریت نیست. در ایران امروز، همه اقلیت‌اند. این حقیقت، حتی در خصوص هسته مرکزی حاکمیت هم صادق است. حضور متفرق و رقابت سنگین کاندیداهای متعددی از این جریان در سه انتخابات ۱۴۰۲، ۱۴۰۳ و ۱۴۰۳ و عدم توافق آنان بر اجماع نهایی بر سر کاندیدای واحد، دلالت بر صحت ارزیابی فوق دارد.

در همین راستا می‌توان پاسخ داد که چرا با وجود آن که حسن روحانی در انتخابات ۱۳۹۲ و پزشک‌ان در ۱۴۰۲، انتخاب هسته اصلی قدرت نبود، اما به آن‌ها تن داده شد؟ شاید بخشی از دلایل این موضوع عبارت باشند از:

۱. هراس از توان مالی و رشد هیولوار ظرفیت سازماندهی اجتماعی و سیاسی جریان مرموزی که در اسفند ۱۴۰۲ و تیر ۱۴۰۳ قدرت‌نمایی کرد و نشان داد که به‌رغم شعارهای متظاهرانه‌اش، چندان وفادار و اطاعت‌پذیر نیست و نسبت به کثرت جریان موسوم به اصولگرایی، پایگاه رای وسیع‌تر و ظرفیت بالاتری از سازماندهی و مدیریت اجتماعی و سیاسی دارد، سبب شد که هسته مرکزی قدرت، به نتیجه انتخابات تن دهد و به دولت اصلاحی پزشک‌ان، قانع باشد. این جریان تکمیل چرخه‌ای از قدرت را پس از اعتراضات ۱۳۸۸ با نهاد احمدی‌نژاد عیان ساخت و در انتخابات مجلس دوازدهم نیز، با پرچم‌داری امثال رانچی پور و طیف افراطی‌تر جبهه‌یاداری نمایندگی‌اش و در انتخابات ریاست جمهوری اخیر نیز در قامت زعامت جلیلی تبلور پیدا کرد.

۲. تأیید صلاحیت پزشک‌ان و تن دادن به حضور اصلاح‌طلبان در انتخابات اخیر به خاطر کسب مشروعیت سیاسی نبود. فزاینده‌ی مهارناپذیر تضادمنافع، تعارض ساختاری موجود در ارکان قدرت و تعمیق بحران ناکارآمدی مدیریت عالی دولت در تراز با موضوع ساختن نهاد دولت مرکزی، زمینه‌ساز پذیرش این ضرورت عینیت‌یافته شد که بدون همکاری با اصلاح‌طلبان و تن دادن به حداقلی از قواعد دموکراتیک که به طور نسبی قادر به مهار فساد و جریان نفوذی باشند، چرخ

ناظر بر یک شرایط ایده‌آل و حتی عادی نیست و در زمان‌هایی ضرورت پیدایمی‌کند که بحران یا تهدیدی جدی در فضاهایی مانند انقلاب‌های فراگیر یا در شرایط پس از فروپاشی نظام سیاسی، جنگ، زلزله، شورش‌های قومی و نظایر آن پدید می‌آید. هدف دولت وحدت ملی در معنای کلاسیک، نیل به «توسعه» نیست. «ت حزب» یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای بی‌بدیل توسعه قلمداد می‌شود که البته بر «دولت حزبی» و «انتخابات حزبی» استوار است و حال آن که هدف بنیادین دولت وحدت ملی، تداوم حکومت مرکزی، بقای تمامیت ارضی و نجات نظام سیاسی مستقر از شر مطلق رقابت‌های باندی و جناحی ویران‌گر و تفرقه‌انداخته است. دولت وحدت ملی، محصول بحران جدی امنیت ملی است. بنابراین، لزوماً دولتی مقتدر نیست و بلکه می‌تواند زمینه‌ساز اقتدار سیاسی در معنای سازنده‌ای باشد که ماکس وبر از آن به «قدرت مشروع و اخلاقی» تعبیر می‌کند. بدیهی است که چنین برداشتی، کاملاً متفاوت از فهم شایع و تقلیل‌یافته جاری از «اقتدار» است که معنایی جز تمامیت‌خواهی را متبادر نمی‌سازد.

باتوجه به اختلاف مفهومی رایج در ادبیات سیاسی ایران که پیرامون سه اصطلاح حاکمیت ملت، حاکمیت ملی و حکومت ملی مطرح است و معمولاً به جای هم کار می‌روند، مناسب است که این مفاهیم ولو به اجمال توضیح داده شوند. «از نظر حقوقی، «قدرت سیاسی» صرف‌نظر از منشأ پیدایش، شکل‌گیری و محتوا، «حاکمیت» نامیده می‌شود که دو وجه اصلی دارد: بُعد ملی حاکمیت که به معنای حق تعیین سرنوشت مردم به دست خودشان است و هم‌تراز با «جمهوری» یا «دموکراسی» قلمداد می‌شود، حاکمیت ملت (Sovereignty of Nation) و ظهور حاکمیت در عرصه بین‌المللی که مترادف با استقلال است، حاکمیت ملی (National Sovereignty) نامیده می‌شود.» منظور از حکومت ملی (National Government) نظام سیاسی مبتنی بر آرای مردم است که حقوق اساسی و حاکمیت ملت را تأمین می‌کند و از استقلال سیاسی و اقتصادی واقعی برخوردار است.

با توجه به تعاریف بالا، دولت وحدت ملی در راستای نیل به حاکمیت ملت و حاکمیت ملی قرار دارد و بازنمای الگویی کمی یاسوج مورخ ۱۳ تیر ۱۴۰۳، منبع: ایرنا

۲. آفایشی، علی و افشاری‌راد، مینو: فرهنگ علوم سیاسی، نشر چاپار، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۴، ص ۴۴۴

۳. زبیدی، ابراهیم: دکتربین امنیت ملی، نشر سراسی، چاپ اول ۱۳۸۴، صص ۴۳۰ و ۴۳۱



مهدی معتمدی مهر

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران



تشکیل «دولت وحدت ملی» که بارها در انتخابات اخیر از سوی افرادی مانند دکتر ظریف و وعده داده شد، اگرچه توأم با تفصیل و طرح جزئیات نبود، اما دلالت بر ماهیت غیر جناحی و رویکرد وحدت‌آفرین دولت چهاردهم در قبال مدیریت ابربحران‌های کلان و پیچیده ناشی از پراکندگی سیاسی و راهبردی داشت و چشم‌انداز نحوه مواجهه با شکاف تعمیق‌یافته دولت-ملت و تهدیدات جدی علیه امنیت ملی را ترسیم می‌کرد. برادر ارجمند و صاحب‌قلم جناب آقای روح طی دو یادداشت پیاپی و مرتبط با هم که در فضای پس از ترور سبعمانه اسماعیل هینه در روزنامه هم‌میهن به تاریخ چهاردهم و پانزدهم مرداد ۱۴۰۳ منتشر شد، به تبارشناسی نظری و تاریخی الگوهای دوگانه ناظر بر این مفهوم و ضرورت و کارایی آن در شرایط کنونی جامعه پرداخت. نوشتار حاضر با بهره‌گیری از یادداشت مذکور و ضمن تحفظ بر برخی اختلاف‌نظر‌ها پیرامون امکان یا امتناع «وحدت ملی» در دهه نخست پس از پیروزی انقلاب و دوری کاملاً متفاوت پیرامون هویت، مواضع، عملکرد، رفتارشناسی، معیارها و مطالبات جمعی (و نه اجتماعی) اجرایی که با ابتکار عمل معدودی از کنش‌گران منفرد سیاسی در انتخابات ۱۴۰۰ با عنوان «روزنه‌گشایی» ظهور کرد، به تبیین ضرورت، کارایی و الزامات دولت وحدت ملی در سپهر سیاسی ۱۴۰۳ ایران می‌پردازد.

ترمیم‌لوزی

دولت وحدت ملی (National Unity state) فراتر از یک کابینه ائتلافی و فراحزبی و در تراز حاکمیت متشکل از مجموعه نهادها و گرایش‌های سیاسی و اجتماعی قابل طرح است که معمولاً در شرایط اضطراری که تعارضات حاد ساختاری، بحران کارآمدی و واگرایی‌های سیاسی و اجتماعی، تمامیت ارضی یا باقی‌مانده نظام سیاسی و امنیت ملی را به مخاطره افکنده‌اند، موضوعیت پیدا می‌کند و ناظر بر «مشارکت همه آحاد ملت، صرف‌نظر از تعلقات متفاوت سیاسی، طبقاتی، نژادی، زبانی، قومیتی و جنسیتی است. دولت وحدت ملی در راستای حل بحران‌های اساسی جاری و در چارچوب همکاری با نهاد دولت مرکزی کارکرد پیدا می‌کند.»

همان گونه که در تعریف بالا به چشم می‌خورد، دولت وحدت ملی